

نگاه به سرگذشت حزب کمونیست فرانسه

## غفلت های بزرگ

### و رشد فاشیسم در دل بحران

سرژ وولیکو - دانیل تارتاکوفسکی

ترجمه "ن. کیانی"

در بخش گذشته دیدیم که چگونه انترناسیونال کمونیست به ایجاد یک رهبری جدید و همگون در حزب کمونیست فرانسه کمک کرد. "موریس تورز" در مرکز رهبری جدید قرار داشت. تورز اهل شمال فرانسه بود، منطقه‌ای که در آن رفرمیسم کارگری بسیار نیرومند بود. "بنوا فراشون" دبیرکل سازمان سندیکایی ت. ژ. ت. یو. (و بعدها قهرمان ملی فرانسه پس از جنگ) و "ژاک دوکلو" که در جنگ جهانی اول حضور داشتند و در "جنبش جنگ رفتگان پیشین" نیز فعالیت می‌کردند در کنار تورز قرار داشتند.

کنگره پاریس (۱۹۳۲) وزن عناصر سندیکایی را در کمیته مرکزی منتخب بسیار افزود. با اینحال این کنگره همان گرایش به "متوازن" کردن نسل‌ها را دنبال کرد. در واقع تلاش برای "متوازن کردن نسل‌ها" در رهبری حزب در تحلیل نهایی چیزی نبود جز ایجاد توازن میان اشکال مختلف مبارزه که در این یا آن مرحله از تاریخ حزب کمونیست فرانسه غالب بود. این کنگره، دو روشنفکر، یعنی "ژرژ کوپنو" و "اتین فایون" را نیز وارد رهبری حزب کرد. ورود این روشنفکران به مرکزیت حزب نشانه دیگری بود بر این که حزب تلاش می‌کند خود مستقیماً رهبری و اجرای سیاست‌ها و پراتیک‌های دیگری را که تا آن زمان توسط سازمان‌های توده‌ای و واسطه انجام می‌شد بدست گیرد. در واقع تنها زمانی که خود حزب بصورت یک روشنفکر جمعی در می‌آمد و بدین شکل عمل می‌کرد و تنها در آن زمان بود که می‌توانست روشنفکری تراز نوین را بوجود آورد.

از این کنگره به بعد و تا جنگ جهانی دوم، کمیته مرکزی حزب تغییراتی اندک داشت و دیگر منتخبین جدید تنها بعنوان عضو علی‌البدل وارد کمیته مرکزی شدند. بدینسان حزب کمونیست فرانسه سرانجام توانست "کادر رهبری" خود را بوجود آورد. رهبرانی که تا جنگ - و آنان که زنده ماندند - پس از جنگ، در مقام خود باقی ماندند. از ۱۹۳۱ ببعد مسئله بحران کادرها در حزب پایان یافت. این امر را البته نمی‌توان تنها به حذف "گروه" باربه - سلور مربوط دانست. حذف این گروه موجب بوجود آمدن یک رهبری منسجم شد اما عاملی که این انسجام را حفظ کرد ورود کشور به بحران بود. بحرانی که در ابتدا جنبه اقتصادی داشت و از ۱۹۳۴ به بعد در همه عرصه‌ها حاکم شد. تداوم همین بحران بود که موجب شد عناصر و اندیشه‌هایی که از افق‌های مختلف به سمت و داخل حزب آمده بودند بتدریج به یکدیگر نزدیک و در هم ادغام شوند. بحران، گرایش‌های مختلف را به سمت یک پراتیک سیاسی متحد، و در نتیجه متحد کننده، هدایت کرد.

حزب کمونیست فرانسه و بحران : ۱۷ اوت ۱۹۳۱ - ۶ فوریه ۱۹۳۴  
حزب کمونیست فرانسه در برابر بحرانی که از پایان ۱۹۳۱ فرانسه را دربرگرفت یک پراتیک دوگانه را پیش گرفت.

در عرصه سیاسی : "طبقه برضد طبقه"

حزب با اعتقاد به تحلیل یازدهمین پلنوم انترناسیونال کمونیست ( که تجربه آلمان در مرحله اول بنظر می‌رسید تایید کننده آن است) از نو تاکتیک "طبقه برضد طبقه" را در انتخابات پارلمانی ۱۹۳۲ در پیش گرفت. در بخش‌های گذشته به مضمون این تاکتیک اشاره کردیم که عملاً در عرصه انتخاباتی به عدم ائتلاف با حزب سوسیالیست می‌انجامید. حزب تنها کمی

بیش از ۷۹۰ هزار رای بدست آورد (دربرابر بیش از يك ميليون رای در ۱۹۲۸) و دو نماینده دیگر را از دست داد. تعداد نمایندگان حزب در پارلمان به ۱۲ تن کاهش یافت. رادیکال‌ها که از انتخابات پیروز بیرون آمده بودند، يك دولت معروف به "نئو کارتل" تشکیل دادند که "هوریوت" در راس آن قرار داشت و گروه پارلمانی حزب سوسیالیست از آن حمایت می‌کرد. حزب کمونیست فرانسه از هر گونه حمایت این دولت خودداری کرد. موریس تورز در نشست کمیته مرکزی ژوئیه ۱۹۳۳ اعلام کرد که در فرانسه فاشیسم می‌تواند شکل تجمع در حول این یا آن حزب چپ را بخود بگیرد. به گفته وی سیاست دولت نئو کارتل از همان ابتدا به سمت فاشیستی کردن تدریجی دولت پیش می‌رود و حزب سوسیالیست در این عرصه به بورژوازی کمک می‌کند.

در ابتدای ۱۹۳۳ حزب کمونیست خواهان آن شده بود که با حزب سوسیالیست بر سر برگزاری يك میتینگ مشترك گفتگو کند. شکست این گفتگوها حزب را مجدداً و بسرعت بسوی اتحاد در پایین سوق داد. نشست کمیته مرکزی در شهر سنت دنی چند روز بعد به انتقاد از خود دست زد: "مذاکراتی که حزب با سازمان‌های سوسیالیست مرکزی و محلی در پیش گرفت و هدف آن سازمان دادن بحث درباره وحدت بود چنان مطرح شد که گویی نفس این مذاکره است که امری ارزشمند است. در حالی که مسئله اصلی که بدان توجه نشد ضرورت همراه شدن این مذاکرات با کار ژرف با آماج جلب کارگران سوسیالیست و بی حزب به سیاست طبقاتی ما بود." این انتقاد از خود بی ارتباط با مقاله‌ای نبود که در فوریه ۱۹۳۳ در نشریه انترناسیونال کمونیست منتشر شده بود. نویسنده مقاله مجدداً نظریه جبهه واحد در پایین را مورد تاکید قرار می‌داد، بدون آنکه پیشاپیش مذاکره با رهبران سوسیالیست را مردود بشمارد. اما بنوشته مقاله هدف این مذاکرات باید نقاب برداشتن از چهره رهبران سوسیالیست دربرابر توده‌ها باشد. این مقاله که مستقیماً سیاست حزب کمونیست فرانسه را خطاب قرار داده بود تاکید می‌کرد که نمی‌توان انچنانکه این حزب امیدوار است از انتقاد از سوسیال دمکراسی خودداری کرد.

به قدرت رسیدن هیتلر ظاهراً برای دوره‌ای این مواضع را اندکی تغییر داد. در مارس ۱۹۳۳ انترناسیونال کمونیست در نامه‌ای خطاب به انترناسیونال سوسیالیست خواهان واکنشی مشترك شد. حزب کمونیست فرانسه نیز بر همین محور بنوبه خود از حزب سوسیالیست و انترناسیونال کمونیست جوانان از انترناسیونال سوسیالیست جوانان همین درخواست را کردند. به هیچیک از این درخواست‌ها پاسخی داده نشد.

#### **شرایط جبهه واحد**

بدینسان تحلیل‌های حزب کمونیست فرانسه از یکسو مانع آن شده بود که حزب بتواند تضادهایی را که در فرانسه، حتی در قلب دولت، زاده می‌شود ببیند و بتواند از آنها استفاده کند. هرچند از سوی دیگر به حزب امکان می‌داد که خصلت طبقاتی بحران و فاشیسم را افشا کند. حزب کمونیست در آن زمان تنها نیروی سیاسی بود که می‌خواست بر مبنای تحلیل طبقاتی بحران و فاشیسم، توده‌هایی را که در جستجوی يك راه حل بودند سازمان دهد.

بحران در فرانسه و پیروزی فاشیسم در آلمان، گروه‌های تشکیل دهنده دولت نئوکارتل را به وخیم‌ترین "بحران درون بحران" دچار کرد. حزب سوسیالیست به سخت‌ترین کشاکش‌های درونی دچار شد که از کنگره تور بدینسو بی سابقه بود. این کشاکش‌ها سرانجام در پایان ۱۹۳۳ با اخراج نئوسوسیالیست‌ها پایان یافت. با آن که در حزب رادیکال انشعابی صورت نگرفت، این حزب نیز با بحرانی عمیق دست به گریبان شد. بوجود آمدن لیگ‌ها و سازمان‌ها، ظهور نشریات و گروه‌های روشنفکری علایمی بود که نشان می‌داد طبقه متوسط که تا آن زمان جذب نظام سیاسی رادیکال‌ها شده بود، اکنون "آزاد" شده است. یعنی آماده دست زدن به گزینش‌هایی دیگر است. این طبقه به سمت تجربیات کشورهای دیگری که ممکن بود به بحران و ناتوانی پایان دهد نگاه خود را گرداند. مانند تجربه ایتالیا که کمتر از

آلمان برای فرانسه تهدید کننده بود. یا تجربه اتحاد شوروی که در آن برنامه‌های پنج ساله با موفقیت اجرا می‌شد و رهبری مبارزه ضدفاشیستی را در دست گرفته بود. این وضع و پیروزی فاشیسم در آلمان مسئله جبهه واحد را ناگهان در فرانسه به يك مسئله سیاسی تبدیل کرد.

راه توده ۱۳۲ ۱۴,۰۵,۲۰۰۷